

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مبانی نظری اسلام

موضوع:

چگونگی توسعه و تعمیق رشد فکری انسان‌ها در جامعه عصر ظهور امام زمان (عج) با توجه به روایات

استاد راهنما:

دکتر محمد علی اخویان

استاد مشاور:

دکتر محمد ابراهیم ایزد خواه

نگارنده:

حسین ربیع زاده راوندی

۱۳۹۲

تأییدیہ هیأت داوران

تقدیم به:

حضرت ثامن الحجج حضرت امام علی ابن موسی الرضا^(ع) و خواهر بزرگوارش حضرت فاطمه معصومه^(س)

که همیشه از الطاف و عنایات گریانه ایشان بهره مند بوده ام.

تقدیر و تشکر :

از تمامی اساتید محترمی که در طول این سال با ازدانش و آگاهی آنها بهره مند شده‌ام به ویژه، استاد محترم جناب آقای دکتر انجمن که راهنمایی این پایان نامه را به عهده گرفتند و هم چنین استاد گرامی جناب آقای دکتر ایزدخواه که از مشورت ایشان در تدوین این پایان نامه استفاده نموده‌ام.

بجمله مرکز تخصصی مهدویت که به آسانی منابع موجود را در اختیار من قرار داده اند، توفیقات روز افزون این دو استاد گرانقدر و بهمنین طور موفقیت این مرکز تخصصی را از خدای متان خواستارم انشاء الله تعالی.

چکیده:

آنچه این پژوهش به آن می‌پردازد چگونگی رشد فکری و عقلی انسان‌ها در جامعه عصر ظهور است که با توجه به روایات می‌خواهد جوابی قانع کننده برای این پرسش بیابد و چیزی که بر اهمیت این مسأله می‌افزاید آن است که با توجه به اوصاف بی‌شمار و زیبای جامعه مهدوی، گاهی چگونگی رشد عقلی و پرتو آن یعنی رشد فکری پس از ظهور امام زمان (عج) در حاشیه قرار می‌گیرد و همه کارها به دست اعجاز سپرده می‌شود. لذا این تحقیق مدار رشد عقلی و شعاع آن یعنی رشد فکری را در منظومه مهدوی مشخص می‌سازد و با تکیه بر جایگاه اعجاز حریم چند عنصر را حفظ می‌کند: الف) عنصر اختیار انسان، ب) عنصر سنن لایتغیر نظام هستی، ج) عنصر تکلیف و مسئولیت انسان و در ارتقاء عنصر خوش بینی نسبت به آینده و عمق بخشی معارف مهدوی می‌کوشد و با توجه به روایات و آراء اندیشمندان در این زمینه، چگونگی رشد فکری و عقلانی جامعه مهدوی را موهبتی - اکتسابی می‌داند و در چارچوب همین امر، دو شاخص عمده را برمی‌شمارد که رشد فکری و عقلانی را در همین مسیر تعریف می‌کنند: ۱) بازگشت به قرآن ۲) بازگشت به فطرت، روش تحقیق در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: رشد فکری، مهدویت، جامعه عصر ظهور

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات

- ۱-۱- مقدمه ۲
- ۲-۱- بیان مسأله ۲
- ۳-۱- اهمیت مسأله ۳
- ۴-۱- پرسش‌های اصلی ۳
- ۵-۱- پرسش‌های فرعی ۳
- ۶-۱- فرضیه‌ها ۴
- ۷-۱- سابقه پژوهش ۴
- ۸-۱- روش تحقیق ۴
- ۹-۱- اهداف تحقیق ۵
- ۱۰-۱- بخش اول: واژه‌شناسی ۵
- ۱-۱۰-۱- واژگان مرتبط ۵
- ۱-۱-۱۰-۱- رشد ۵
- ۱-۱-۱-۱۰-۱- در لغت ۵
- ۲-۱-۱-۱۰-۱- در اصطلاح ۶
- ۲-۱-۱۰-۱- فکر ۷
- ۱-۲-۱-۱۰-۱- در لغت ۷
- ۲-۲-۱-۱۰-۱- در اصطلاح ۸
- ۳-۲-۱-۱۰-۱- تفاوت‌های فکر و عقل ۹

- ۹-۱-۱۰-۱-۲-۳-۱- تفاوت در قضاوت اخلاقی - ارزشی ۹
- ۱۰-۱-۱۰-۱-۲-۳-۲- تفاوت در منبع بودن ۱۰
- ۱۱-۱-۱۰-۱-۲-۳-۳- تفاوت در رتبه و ارزش ۱۱
- ۱۱-۱-۱۰-۱-۲-۳-۴- تفاوت در وسعت ادراک ۱۱
- ۱۱-۱-۱۰-۱-۲-۳-۵- تفاوت در معیار بودن ۱۱
- ۱۱-۱-۱۰-۱-۲-۳-۶- تفاوت در بازدارندگی و ایجاد مصونیت ۱۱
- ۱۲-۱-۱۰-۱-۳- جامعه عصر ظهور ۱۲
- ۱۲-۱-۱۰-۱-۳-۱- جامعه ۱۲
- ۱۲-۱-۱۰-۱-۳-۱-۱- معنای لغوی ۱۲
- ۱۲-۱-۱۰-۱-۳-۱-۲- معنای عرفی ۱۲
- ۱۳-۱-۱۰-۱-۳-۱-۳- معنای قرآنی ۱۳
- ۱۳-۱-۱۰-۱-۳-۱-۴- معنای اصطلاحی ۱۳
- ۱۵-۱-۱۰-۱-۲-۳- عصر ۱۵
- ۱۵-۱-۱۰-۱-۳-۳- ظهور ۱۵
- ۱۶-۱-۱۰-۱-۳-۴- عصر ظهور ۱۶
- ۱۱-۱-۱۱-۱- بخش دوم: ماهیت و ابعاد و اقسام رشد ۱۷
- ۱۷-۱-۱۱-۱-۱- فرق رشد با بلوغ و عقل ۱۷
- ۱۸-۱-۱۱-۱-۲- فرق رشد با تکامل ۱۸
- ۱۹-۱-۱۱-۱-۳- فرق رشد با هدایت ۱۹
- ۲۰-۱-۱۱-۱-۴- فرق رشد انسان با حیوان ۲۰
- ۲۲-۱-۱۱-۱-۵- شرایط و امکان رشد ۲۲
- ۲۳-۱-۱۱-۱-۶- ابعاد رشد ۲۳
- ۲۳-۱-۱۱-۱-۷- ارتباط رشد عقلانی و جسمانی ۲۳
- ۲۵-۱-۱۱-۱-۸- اقسام رشد ۲۵
- ۲۵-۱-۱۱-۱-۸-۱- رشد مادی ۲۵

- ۲۵.....۱۱-۸-۲- رشد معنوی
- ۲۷.....۱۱-۸-۳- رشد فردی
- ۲۷.....۱۱-۸-۴- رشد ملی
- ۱۲-۱- بخش سوم: رویکردهای روند حرکت انسان و جوامع به سوی رشد فکری.....۲۸
- ۱۲-۱- رویکرد متعالی.....۲۸
- ۱۲-۲- رویکرد غیر متعالی.....۳۰
- ۱۲-۲-۱- راهبرد پنداری یا توهمی خوش بینانه:.....۳۰
- ۱۲-۲-۲- راهبرد پنداری یا توهمی بدبینانه.....۳۱
- ۱۳-۱- نتیجه گیری.....۳۲

فصل دوم: مصادیق رشد فکری در جامعه عصر ظهور و رابطه آن با عقل

- ۱-۲- مقدمه.....۳۴
- ۲-۲- اقسام عقل.....۳۵
- ۱-۲-۲- عقل نظری.....۳۵
- ۲-۲-۲- عقل عملی.....۳۶
- ۳-۲-۲- عقل ابزاری.....۳۶
- ۳-۲- رشد عقل نظری.....۳۷
- ۴-۲- رشد عقل عملی.....۴۰
- ۱-۴-۲- امنیت.....۴۱
- ۲-۴-۲- عبادت.....۴۱
- ۳-۴-۲- عدالت.....۴۱
- ۴-۴-۲- دوری از گناه.....۴۲
- ۵-۲- رشد عقل ابزاری.....۴۲
- ۶-۲- نتیجه گیری.....۴۴

فصل سوم: بررسی روایت رشد عقلی و فکری

- ۳-۱-۱- مقدمه..... ۴۷
- ۳-۲- بررسی متن و سند حدیث..... ۴۸
- ۳-۳- بررسی محتوای حدیث از دیدگاه متقدمین و معاصرین..... ۵۰
- ۳-۳-۱ دیدگاه متقدمین:..... ۵۱
- ۳-۳-۱-۱- ملاصدرا..... ۵۱
- ۳-۳-۱-۲- ملا محمد صالح مازندرانی..... ۵۲
- ۳-۳-۱-۳- اشکال اول..... ۵۳
- ۳-۳-۱-۲-۱- پاسخ شعرانی..... ۵۳
- ۳-۳-۱-۲-۲- اشکال دوم..... ۵۴
- ۳-۳-۱-۲-۳- جواب شعرانی..... ۵۴
- ۳-۳-۱-۳-۱- اشکال سوم..... ۵۴
- ۳-۳-۱-۳-۲- پاسخ شعرانی..... ۵۴
- ۳-۳-۱-۳-۳- فیض کاشانی..... ۵۵
- ۳-۳-۱-۴- علامه محمد باقر مجلسی..... ۵۵
- ۳-۲- دیدگاه معاصرین..... ۵۷
- ۳-۲-۱- آیت الله سید محمود طالقانی..... ۵۷
- ۳-۲-۲- آیت الله سید محمد کاظم قزوینی..... ۵۸
- ۳-۲-۳- آیت الله حاج شیخ علی سعادت پرور (پهلوانی تهرانی)..... ۵۹
- ۳-۲-۴- آیت الله جوادی آملی..... ۵۹
- ۳-۲-۵- آیت الله سید محمد صدر..... ۶۰
- ۳-۲-۵-۱- مشکلات مختص به تاریخ پس از ظهور..... ۶۱
- ۳-۲-۵-۲- راه حل برون رفت از مشکلات..... ۶۱
- ۳-۲-۶- آیت الله محمد امامی کاشانی..... ۶۳

۴-۳ نتیجه گیری ۶۶

فصل چهارم: چگونگی رشد فکری و عقلانی در جامعه عصر ظهور و راهکارها

۱-۴-۱ مقدمه ۶۸

۲-۴-۲ چگونگی رشد و شکوفایی فکری در جامعه عصر ظهور ۷۰

۴-۲-۱-۱ نظریه اعجاز ۷۱

۴-۲-۲-۲ نظریه سیر طبیعی ۷۲

۴-۲-۲-۱-۱ جایگاه شناسی معجزه و امدادهای غیبی ۷۳

۴-۲-۲-۱-۱-۱ عنصر اختیار انسان ۷۷

۴-۲-۲-۱-۲-۲ عنصر سنن لایتغیر نظام هستی ۸۰

۴-۲-۲-۱-۳-۱ عنصر تکلیف و مسئولیت انسان ۸۱

۴-۲-۳-۲ نظریه موهبتی - اکتسابی ۸۳

۴-۲-۳-۱-۱ بازگشت به قرآن ۸۴

۴-۲-۳-۱-۱-۱ دعوت به تفکر و تدبّر و تعقل ۸۶

۴-۲-۳-۱-۲-۲ «مذمت تقلید کورکورانه از پدران و گذشتگان» ۸۷

۴-۲-۳-۱-۳-۲-۳ دعوت قرآن به پیروی از علم و یقین ۸۸

۴-۲-۳-۱-۴-۲ «برخی ممنوعیت‌ها به خاطر حفاظت از عقل» ۸۹

۴-۲-۳-۱-۵-۲ «دعوت قرآن به مطالعه تاریخ و پند آموختن» ۹۰

۴-۲-۳-۲-۲ بازگشت به فطرت ۹۵

۴-۲-۳-۱-۲-۱ نظر استاد محمدرضا حکیمی ۹۷

۴-۲-۳-۲-۲-۲ نظر آیت الله حاج شیخ علی سعادت پرور ۹۷

۴-۲-۳-۲-۲-۱-۱ فرج شخصی ۹۸

۴-۲-۳-۲-۲-۲-۲ فرج عمومی ۹۸

۴-۲-۳-۲-۳-۲-۱ نظر استاد محمد مهدی میرباقری ۹۹

۴-۲-۴-۲-۱ محبت و ولایت مداری ۹۹

- ۱۰۰ ۴-۲-۵- فراهم شدن عوامل رشد عقلی و فکری و رفع موانع
- ۱۰۰ ۴-۲-۵-۱- عوامل شکوفایی عقل
- ۱۰۰ ۴-۲-۵-۱-۱- عوامل فردی
- ۱۰۰ ۴-۲-۵-۱-۲- عوامل جمعی
- ۱۰۰ ۴-۲-۵-۲- موانع شکوفایی عقل
- ۱۰۰ ۴-۲-۵-۱-۲- موانع فردی
- ۱۰۰ ۴-۲-۵-۲-۲- موانع جمعی
- ۱۰۱ ۴-۳- نتیجه گیری

۱۰۲ **خاتمه: نتیجه گیری**

۱۰۴ **منابع و مأخذ**

فصل اول:

کلیات

۱-۱- مقدمه

در فرهنگ دینی ما دنیا مدرسه رشد است و خداوند متعال آنچه را که زمینه‌ساز رشد و تحوّل در انسان بوده است را برای او مهیا ساخته است. پیامبری درونی به نام عقل که چراغ هدایت است در وجود انسان به امانت سپرده است تا با پرتو افشانی آن مسیر حق از باطل تشخیص داده شود و از شعاع آن فکر انسان با تهیه مقدماتی صحیح بدون دخالت و هم راه اُبدیت در پیش گیرد اما از آنجا که عقل به تنهایی قادر نیست ما را به سعادت برساند و موانعی نیز او را تهدید می‌کند تا از فروغ آن بکاهد. لذا خدای متعال انبیاء و اولیاء را که حجت بالغه الهی هستند در هر دوره و عصری به مدد و یاری عقل فرستاده است تا هم غبار از چهره عقل بزدایند و هم آن مسیرهایی را که عقل توان گام نهادن در آنها را ندارد با سراج وحی نور افشانی کنند و با نشان دادن راه به عقل و یا اگر زمینه مساعد بود و قابلیت قابل فراهم بود با رساندنش به مقصد و مطلوب او را در این مسیر رشد همراهی نمایند.

در متون دینی و فرهنگ روایی ما نقطه اوج این رشد و تعالی انسان جامعه‌ای است که آن را سال‌ها پیش انبیاء و اولیاء وعده داده‌اند و حتی سیمای آن جامعه را وصف کرده‌اند و یکی از اوصاف که چهره درخشانی هم دارد رشد عقلی آن جامعه است که با ظهور امام عدل و عقل انسان‌هایی که در مدرسه رشد دنیا چند واحد از این درس را گذرانده‌اند و آماده شکوفایی بیشتر هستند با رهنمود و عنایت آن امام رشید، مراحل بعدی این سیر را طی نمایند، و این نوشتار به واکاوی این مسأله می‌پردازد که رشد عقلی در این جامعه متمم و شکوفا در پرتو روایات چگونه مراحل بعدی سیر خود را طی خواهد کرد و به دنبال رشد عقلی فکر انسان نیز از تحت ولایت و هم خارج خواهد شد و با رهبری عقل از درون و امام عقل یعنی امام زمان (عج) از بیرون در تهیه مقدمات صحیح در حل هر مسأله‌ای با دقت و سرعت بیشتری عمل خواهد کرد.

۱-۲- بیان مسأله

در جامعه عصر ظهور امام زمان (عج) چه تحوّل به وجود می‌آید که از برکت آن بشریت به بلوغی می‌رسد که سرآغاز آن از کوچه باغ اندیشه است و گام به گام مسیر توسعه و پیشرفت در تمامی ابعاد انسان پیموده می‌شود؟

به عبارت دیگر: چگونه اندیشه خام بشریت فرایند رشد عقلی را به سرانجام خواهد رساند و از پرتو آن جامعه‌ای ایده‌آل و مدینه فاضله‌ای که موعود تمامی انبیاء و اولیاء و متفکرین بشر بوده است برپا خواهد شد؟

آنچه این پژوهش دنبال می‌کند چگونگی رشد فکری و عقلی انسان‌ها در جامعه عصر ظهور است که جمال آن را می‌خواهد در آیینه روایات نظاره‌گر باشد.

۱-۳- اهمیت مسأله

وقتی انسان به سیمای جامعه مهدوی در فرهنگ جامع روایی نظر می‌کند اوصاف بی‌شماری از ساختار آن، چشم را خیره می‌کند و به نظر می‌رسد که آن کمالات و جمالات گاهی نقش عقل را تحت الشعاع قرار می‌دهد. چنان که گویی عقل هیچ وظیفه‌ای چه در زمینه‌سازی و برپایی آن دولت کریمه و چه در آن عصر طلایی برعهده ندارد و یا نقش آن خیلی کم رنگ و ناچیز است و اینکه آن مدینه فاضله همه چیزش به صورت خارق العاده به وقوع می‌پیوندد و مسیر توسعه و رشد را طی می‌کند. لذا می‌طلبند که محقق علوم اسلامی و انسانی عزم خود را به اولوا العزمان عالم گره بزند و به واکاوی این مسأله بپردازد که این پیامبر درونی یعنی عقل و شعاع برخواسته از آن یعنی فکر چه فرایند رشدی را در جامعه عصر ظهور طی خواهد کرد و خواه ناخواه جایگاه عقل در کنار نقل روشن خواهد شد و چنین تحقیقی قطعاً ما را از افراط و تفریط در این موضوع باز خواهد داشت و از پرتو این پژوهش فکر ما نیز در مدار صحیحی که ضامن سعادت دنیا و آخرت است به حرکت خویش ادامه خواهد داد و با أخذ مقدماتی که منتج می‌باشد تحوّل شگفت به وجود خواهد آورد.

۱-۴- پرسش‌های اصلی

الف: آیا رشد فکری و توسعه و تعمیق آن معلول اسباب ظاهری خواهد بود یا روند دیگری را طی خواهد کرد؟

ب: با توجه به روایات فرایند رشد فکری انسان‌ها در جامعه عصر ظهور چگونه خواهد بود؟

۱-۵- پرسش‌های فرعی

الف: رابطه مصادیق کلان رشد فکری در جامعه مهدوی با عقل چیست؟

ب: فرایند رشد فکری انسان‌ها در جامعه عصر ظهور با توجه به روایتِ رشد عقلی و فکری چگونه است؟

ج: رشد فکری و عقلی در جامعه عصر ظهور چگونه است و راهکارهای آن چیست؟

۱-۶- فرضیه‌ها

۱- مصادیق کلان رشد فکری در جامعه عصر ظهور یا زیر مجموعه عقل نظری یا عقل عملی یا عقل ابزاری می‌باشد.

۲- با توجه به روایت رشد عقلی و فکری و همچنین ساختار عالم هستی و جایگاه اعجاز در آفرینش، رشد عقلی و فکری در جامعه عصر ظهور به صورت موهبتی - اکتسابی است و شاخص‌های عمده آن عبارتند از: الف - بازگشت به قرآن ب - بازگشت به فطرت.

۱-۷- سابقه پژوهش

با تفحص در منابع موجود، کتابی مستقل تحت این عنوان یافت نشد هر چند در لابلای مقالات و نشریات به طور موجز گاهی اشاره‌ای به این موضوع شده است. به عنوان نمونه در مقاله «مهدویت و عقل‌گرایی»^(۱) از زاویه خاص به این مطلب پرداخته است، ولی وافی به مقصود نمی‌باشد اما در میان پایان‌نامه‌ها تا آن جایی که ما به آن دست یافتیم یک مورد به «نقش عقل و علم در زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام»^(۲) پرداخته است. که تا حدودی به جایگاه عقل و پرتو آن یعنی فکر و نقش مؤثر آن در زمینه‌سازی برای ظهور اشاره می‌کند که البته به بحث پیش از ظهور مربوط می‌شود، یک نمونه دیگر نیز به «تکامل عقول در جامعه مهدوی»^(۳) آن هم پس از ظهور اشاره کرده است که در مباحث آینده اشاره‌ای به آن خواهیم کرد.

۱-۸- روش تحقیق

شیوه گردآوری اطلاعات در این تحقیق، کتابخانه‌ای است.

۱- حسین الهی نژاد، «مهدویت و عقل‌گرایی»، فصلنامه علمی تخصصی انتظار موعود، ش ۲۷، سال هشتم، زمستان ۱۳۸۷، صص ۱۵۶-۱۶۶.

۲- محمدباقر رضایی، «نقش عقل و علم در زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام»، پایان‌نامه ارشد، جامعه المصطفی العالمیه، دی ۱۳۸۹.

۳- ابوالفضل حسینی، «تکامل عقول در جامعه مهدوی»، پایان‌نامه ارشد، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۹۰.

۱-۹- اهداف تحقیق

الف: ارتقاء عنصر خوش‌بینی نسبت به دوران کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر.
ب: عمق‌بخشی به معارف مهدویت و جلوگیری از برخورد سنتی به آن مباحث.

۱-۱۰- بخش اول: واژه شناسی

۱-۱۰-۱- واژگان مرتبط

۱-۱۰-۱-۱- رشد

۱-۱۰-۱-۱-۱- در لغت

این لفظ در معانی زیر به کار رفته است: نقیض غی^(۱)، راه یافتن به سوی خیر و صلاح و ضد آن غی^(۲) که فرو رفتن در فساد است^(۳)، استقامت در مسیر حق و پایداری در آن^(۴)، رسیدن به واقع^(۵).

راغب اصفهانی می‌گوید: واژه رشد کاربرد کلمه هدایت را دارد برخی رشد را اعم از رشد دانسته‌اند و گفته‌اند: رشد درباره امور دنیا و آخرت به کار می‌رود ولی رشد در مورد امور اخروی به کار می‌رود و ضمناً به دو مصداق از رشد در قرآن اشاره می‌کند یکی «آیه ۶ سوره نساء»^(۶) و دیگری آیه «۵۱ سوره انبیاء»^(۷) پس از آن می‌گوید: «و بین الرشدین أَعْنَى الرشد المؤمنس من الیتیم و الرشد الذی أوتی ابراهیم بون بعید»^(۸) یعنی آن رشد که در سوره نساء آمده است و شرط أخذ اموال و دارایی توسط یتیم است با آن رشدی که در سوره انبیاء به آن اشاره شده است و

۱- محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۷۵.

۲- حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، چاپ اول، تهران: مرکز نشر علامه مصطفوی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸.

۳- سعید خوری، أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، ج ۱، قم: منشورات آیت‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۰۵.

۴- احمد بن محمد مقری، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر الرافعی، ج ۱، قاهره: مکتبه مطبوعات، ص ۲۷۵.

۵- «... فَإِنَّ أَنْسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا...» «پس اگر در آنان (یتیمان) رشد لازم را یافتید...».

۶- «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ» «و مسلماً پیش از این به ابراهیم رشد و هدایتی (که سزاوارش بود) عطا کردیم و ما به او دانا بودیم».

۷- حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، بیروت: [بی‌نا]، ۱۳۹۲ق، ص ۱۹۶.

به حضرت ابراهیم(ع) عطا شد فرق زیادی وجود دارد که حاکی از ذومراتب بودن مقوله رشد است.

۱-۱۰-۱-۱-۲- در اصطلاح

«این واژه مأخوذ از قرآن می‌باشد و در مورد بعضی احکام و مسئولیت‌ها آورده می‌شود و به اصطلاح فقهاء شرط بعضی از احکام وضعی و شرط قبول بعضی از مسئولیت‌ها می‌باشد.»
اگر بخواهیم کلمه رشد را به مفهوم عام خودش که شامل همه انواع رشدها در همه موارد بشود تعریف کنیم باید بگوییم: «رشد یعنی اینکه انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره‌برداری یکی از سرمایه‌ها و امکانات مادی یا معنوی که به او سپرده می‌شود را داشته باشد و در اصطلاحی متداول فارسی به کسی رشید می‌گوییم که اندام خیلی موزون و برازنده‌ای داشته باشد. اما عرب این را رشیق می‌گوید نه رشید، رشد در اصطلاح فقهی مربوط به اندام نیست، یک نوع کمال روحی است»^(۱)

بعضی دیگر رشد را چنین تعریف کرده‌اند که: «وقوع تدریجی یک پدیده خاص در جهت کمال که در دو جهت کمی و کیفی صورت می‌پذیرد و رشد از نظر زیست‌شناسان به معنی تغییرات تدریجی در جهت کمال کمی از قبیل وقوع تغییرات بدنی (افزایش قد، وزن، نمو استخوان‌ها...) و در علم روان‌شناسی علاوه بر جنبه کمی از نظر کیفی نیز بررسی می‌شود و رشد کیفی در روان‌شناسی در سه جنبه رشد شناختی، رشد اجتماعی و رشد عاطفی مورد بحث قرار گرفته است.

رشد شناختی: تغییراتی است که در ادراک، تفکر و حل مسئله ایجاد می‌شود.

رشد اجتماعی: بر تغییراتی اطلاق می‌شود که در روابط با دیگران پیش می‌آید.

رشد عاطفی: تغییراتی که در احساسات و گرایش‌ها ایجاد می‌شود»^(۲)

بعضی دیگر رشد را چنین تعریف کرده‌اند:

«رشد آن بصیرت و روشن بینی خاصی است که در انسان پیدا می‌شود و انسان در اثر آن می‌تواند مصالح و مفاسد و سود و زیان را هم در زندگی شخصی خود و هم زندگی دیگران تشخیص بدهد»^(۳)

۱- مرتضی مطهری، امدادهای غیبی در زندگی بشر به ضمیمه چهار مقاله دیگر، چاپ قدیم، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۵۴، صص

۱۲۱-۱۲۲.

۲- مهدی مهریزی، بلوغ دختران، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۲۷۴.

۳- محمد ضیاءآبادی، شرح زیارت جامعه کبیره، ج ۱، چاپ چهارم، [بی‌جا]: مؤسسه خیریه الزهراء، ۱۳۸۸، صص ۳۰۳.

اما آن رشدی که چشم‌انداز این نوشتار است: توانایی بهره‌برداری صحیح از امکانات مادی و معنوی است.

توضیح: آن رشدی فکری که این رساله در پی واکاوی آن است و از لابلای معانی لغوی و اصطلاحی به آن می‌توان نائل شد حُسن مدیریت چه از لحاظ فردی و چه از لحاظ اجتماعی است «و امام معصوم (ع) نیز آن انسان رشیدی است که می‌خواهد انسان‌های دیگر را اداره کند یعنی نیاز به مدیریت اجتماعی دارد و موضوع رشد آن اداره انسان‌های دیگر است و این نوع از رشد در اصطلاح اسلامی هدایت و به تعبیر رساتر امامت نامیده می‌شود»^(۱)

کوتاه سخن آنکه افق دور این رشد فکری حُسن مدیریت نسبت به منابع آنفسی در درجه اول و در مرحله بعد حُسن مدیریت نسبت به منابع آفاقی است و همانطور که در معانی لغوی واژه رشد اشاره شد که گونه‌ای استقامت و پافشاری در مسیر حق در نهان این واژه نهفته است. بنابراین باید به حُسن مدیریت در منابع آنفسی و آفاقی چنین افزود که: خارج نشدن از این چرخه مدیریتی چه فردی و چه اجتماعی و دوام و بقاء آن تا تمام ظرفیت‌های وجودی انسانی هویدا شود پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة»^(۲) مردم مانند معادن طلا و نقره هستند؛ پس هیچ انسانی بدون گنجینه درونی آفریده نشده است و انبیاء و اولیاء در درجه اول و عقل در درجه ثانی در پی شکوفایی این سرمایه‌های وجودی می‌باشند و انسان رشید این سرمایه‌های بالقوه‌اش، بالفعل شده است.

۱-۱۰-۱-۲- فکر

۱-۱۰-۱-۲-۱- در لغت

رفت و بازگشت قلب در چیزی^(۳)، تردد قلب با نظر و تدبر در جستجوی معانی^(۴)، تصرف و تأمل قلب با نظر در مقدمات و دلایل برای آنکه به سوی مجهول مطلوب هدایت شود.^(۵)

۱- مرتضی مطهری، پیشین، صص ۱۳۰-۱۲۹.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶۴، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق، ص ۱۲۱.

۳- احمد بن فارس بن زکریا، مقاییس اللغة، ج ۴، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاکلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۶.

۴- سعید خوری شرتونی، پیشین، ج ۲، ص ۹۳۹؛ احمد بن محمد مقرئ، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۴.

۵- حسن مصطفوی، پیشین، ج ۹، ص ۱۳۹.

۱-۱۰-۱-۲-۲-در اصطلاح

فکر و مشتقات آن مثل تفکر، واژه‌ای است که در قرآن و برهان و عرفان مورد عنایت قرار گرفته است و بار معنایی خاصی را به دوش می‌کشد. ابن سینا در بیان این واژه می‌گوید:

«فکر حرکت نفس در معانی است در حالی که اکثر اوقات از تخیل کمک می‌گیرد و به دنبال حد اوسط در تصدیقات یا جاری مجرای آن در تصورات است تا به علم به مجهول برسد و در چنین حرکتی آنچه را که در قوای باطن و در انبارها یعنی در قوه خیال و در حافظه بایگانی شده است از نظر می‌گذرانند تا از تنظیم و ترکیب آن‌ها به مطلوب نائل آید. اما گاهی چنین حرکتی انسان را به مقصود می‌رساند و گاهی ثمره‌ای حاصل نمی‌شود».^(۱)

شمس‌الدین محمد لاهیجی نیز در شرح گلشن‌راز به تعریف فکر و تفکر در اصطلاح فلاسفه و عرفاء می‌پردازد و می‌گوید:

«فکر در اصطلاح فلاسفه: ترتیب امور معلومه برای کشف مجهول است اما در اصطلاح عرفاء: رفتن سالک با سیر کشفی (رفع حجاب مصنوع از جمال صانع) از کثرات و تعینات که به حقیقت باطلند به سوی حق است».^(۲)

شیخ محمدرضا مظفر در تعریف این واژه در اصطلاح منطقیون می‌گوید:

«فکر اجراء عملیات عقلی در معلومات موجود برای دستیابی به مطلوب است و مطلوب همان علم به مجهول غایب و پنهان از ذهن است و به بیان دقیق‌تر فکر عبارتست از: حرکت عقل میان معلوم و مجهول و عقل در جریان فکر و اندیشه هنگام مواجهه با مجهول پنج مرحله را طی می‌کند:

(۱) برخورد با مشکل (مجهول)، (۲) آشنایی با نوع مشکل، (۳) حرکت عقل از مشکل به معلومات بایگانی شده نزد آن، (۴) حرکت عقل برای بار دوم، میان معلومات برای جستجو در آن‌ها و تنظیم مقدمات متناسب و صالح برای حل مشکل، (۵) حرکت عقل برای بار سوم از معلوماتی که توانسته از میان دانسته‌هایش تنظیم کند به سوی مطلوب و فکر در حقیقت همین مراحل سه گانه اخیر است».^(۳)

۱- حسن حسن زاده آملی، دروس شرح اشارات و تنبیهات، ج ۲، نمط ۳، قم: آیت اشراق، ۱۳۸۶، صص ۸۲۰-۸۱۹

۲- محمد لاهیجی، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن‌راز (شیخ محمود شبستری)، تصحیح محمدرضا بزرگی و عفت کرباسی، چاپ ششم، تهران: زوار، ۱۳۸۵، صص ۴۷-۴۵.

۳- محمدرضا مظفر، المنطق المظفر، چاپ دوم، قم: دارالعلم، ۱۳۷۵، ص ۲۳.